



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: فقه رمز ارزشها

موضوع جزئی: ۱. پول - وظایف پول - نظر برگزیده - پشتوانه پول

تاریخ: ۹ آذر ۱۴۰۱

مصادف با: ۵ جمادی الاول ۱۴۴۴

جلسه: ۱۵

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## وظایف و مأموریت‌های پول

در مورد پول عرض شد انواعی دارد و تاریخچه آن را هم بیان کردیم و اشاره‌ای به تعریف آن داشتیم؛ اجمالاً چستی آن را بیان کردیم. اما پول یک وظایف و مأموریت‌هایی را بر دوش می‌کشد. شاید در اینکه وظایف و مأموریت‌های پول با همه انواعش کدام است، اتفاق نظر وجود نداشته باشد؛ برخی این مأموریت‌ها را شش مورد، برخی پنج مورد و برخی چهار مورد و برخی سه مورد و برخی حتی دو مورد دانسته‌اند؛ ولی در همه اینها وجه مشترکی وجود دارد و برخی هم سایر موارد را به این قدر مشترک برمی‌گردانند. البته دو مورد را شاید همگان به عنوان وظایف پول ذکر کرده‌اند.

### ۱. واسطه داد و ستد

یعنی اینکه پول یک ابزاری است برای داد و ستد؛ بالاخره این را معیار قرار می‌دهند برای اینکه پرداخت کنند و در مقابل چیزی را بگیرند. این داد و ستد در گذشته به وسیله کالا انجام می‌شد، امروز به وسیله کاغذ و اسکناس انجام می‌شود؛ در همه انواع پول این خصوصیت وجود دارد که وسیله مبادله است. هر کسی هر چه بخواهد بخرد و مبادله کند، یا باید بپردازد یا بگیرد؛ مالکیت نسبت به اشیاء همواره با پرداخت پول میسر شده است، یا پول کالایی یا پول فلزی یا کاغذی یا پول اعتباری. امروز که پول کاغذی و اعتباری بر مبادلات اقتصادی حاکم شده، واقعاً می‌توان گفت اگر کسی سرمایه‌های فراوانی از جمله زمین و خانه داشته باشد، ولی پول نداشته باشد هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. هکتارها زمین و ده‌ها ملک مسکونی و تجاری هم داشته باشد، اما این وسیله مبادله را نداشته باشد، در زندگی مشکل پیدا می‌کند. این خصوصیت در همه انواع پول هست و قدر مشترک وظایفی است که برای پول ذکر کرده‌اند.

### ۲. معیار ارزش

پول وسیله‌ای است که به واسطه آن اشیاء را ارزشگذاری می‌کنند؛ همه چیز را با این ارزشگذاری می‌کنند. اینکه می‌گوییم همه چیز را، یعنی اعم از کالا، خدمات، هر کاری می‌خواهد انجام شود ابتدا قدر و اندازه مالی آن باید معلوم شود؛ اینکه این کالا یا خدمات چقدر می‌ارزد و چه ارزشی دارد؛ بیان ارزش کالاها و خدمات به وسیله پول است. مثلاً قبلاً می‌گفتند فلان کالا معادل چند کیلو نمک است یا به اندازه چند صدف ارزش دارد، یا به اندازه چند کیلو گندم می‌ارزد. هر کالایی که به عنوان پول معیار بود، ارزش سایر اشیاء با آن سنجیده می‌شد. همین امروز هم پول یک وسیله‌ای برای سنجش ارزش اشیاء است؛ حتی اگر مبادله تهاتری هم انجام شود، می‌گویند این چند می‌ارزد و آن چند می‌ارزد، بعد این تهاتر را انجام می‌دهند؛ ارزش اینها را با پول می‌سنجند؛ می‌گویند این یک میلیون می‌ارزد و آن نهمصد هزار تومان می‌ارزد. پس یکی از مهم‌ترین کارکردهای پول این است که

وسیله ارزشگذاری است، معیار ارزش اقتصادی است؛ یا به تعبیر دیگر واحد سنجش ارزش اقتصادی است. این دو تقریباً مسلم است که به عنوان کارکرد پول شناخته می‌شود.

### ۳. ذخیره ارزش

برخی از اقتصاددانان وظیفه و مسئولیت دیگری برای پول ذکر کرده‌اند بنام ذخیره ارزش. ذخیره ارزش یعنی چیزی که با آن می‌توان یک شیء با ارزش را نگهداری و ذخیره کرد. کسی پول جمع‌آوری کند و در جایی نگه دارد، دارد یک ارزشی را برای خودش ذخیره می‌کند. اگر طلا و نقره هم در جایی نگهداری شود، ذخیره کردن یک ارزش است؛ آن هم پول است، فرق نمی‌کند، حالا پول فلزی یا طلا و نقره. لذا از ذخیره ارزش به عنوان یک وظیفه یا کارکرد نام می‌برند.

لکن باید ببینیم آیا واقعاً این ذخیره ارزش یک مأموریتی جدا از معیار و وسیله ارزشگذاری است، این جای بحث دارد. بعید نیست بتوانیم این کارکرد را هم به همان کارکرد دوم برگردانیم؛ یعنی اگر کسی پول را نگه دارد، معلوم است که یک ابزار ارزشگذاری را نگه داشته است. اینکه ذخیره ارزش را به عنوان یک وظیفه و کارکرد مستقل برای پول حساب کنیم، چندان خالی از مسامحه و مناقشه نیست. تازه در یک شرایط خاصی مثل الان، نگهداری و جمع‌آوری پول شاید ذخیره ارزش نباشد بلکه برعکس باشد. آیا در چنین شرایطی هم می‌توان پول را ذخیره ارزش حساب کرد؟ برخی ممکن است بگویند این هم ذخیره ارزش است، ولو اینکه تنزل پیدا کرده است. به هر حال این کارکرد را هم برای پول بیان کرده‌اند.

### ۴. وسیله پرداخت‌های آتی

پول یک ابزاری است که به وسیله آن می‌توان در آینده چیزی را پرداخت کرد. مثلاً کسی الان چیزی را می‌خرد و پولش را بعداً می‌دهد؛ لازم نیست الان پرداخت کند؛ این را می‌گویند وسیله پرداخت‌های آتی، یعنی پرداخت‌هایی که مربوط به آینده است. این هم توسط برخی اقتصاددانان به عنوان کارکرد و وظیفه پول ذکر شده است.

بررسی: اینکه این را بتوانیم به عنوان یک وظیفه مستقل برای پول قلمداد کنیم، این جای بحث دارد. بالاخره پول درست است گاهی نقداً پرداخت می‌شود، بدین معنا که همان زمانی که داد و ستد صورت می‌گیرد، کالایی را می‌دهد و در مقابل بهای آن را می‌پردازد، این وسیله پرداخت است. اگر این به تأخیر بیفتد، چه در مبیع و چه در مثنی، این می‌شود پرداخت در آینده و آتی. اینکه این را همان زمان تحویل بدهد یا بعداً، آیا این را می‌توانیم به عنوان یک ویژگی و کارکرد مستقل برای پول ذکر کنیم؟ این هم به نظر می‌رسد جای بحث دارد؛ این چیز مستقلی از واسطه و میانجی در داد و ستد نیست. پرداخت این واسطه ممکن است همزمان با معامله و مبادله صورت بگیرد و ممکن است بعداً صورت بگیرد؛ این یک کارکرد جدا برای پول نیست.

### ۵. ابزار اجرای سیاست‌های اقتصادی

در دهه‌های اخیر این کارکرد را هم برای پول ذکر کرده‌اند که ابزار اجرای سیاست‌های اقتصادی است. این ابزاری است برای سیاست‌های اقتصادی به این معنا که مثلاً دولت‌ها و حاکمیت‌ها با استفاده از این ابزار، سیاست‌های اقتصادی خود را اعمال می‌کنند. گاهی سیاست انقباض مالی را در پیش می‌گیرند برای اینکه تورم را کنترل کنند؛ مثلاً حجم نقدینگی را با سیاست‌های انقباضی که در پیش می‌گیرند کنترل می‌کنند تا تورم کنترل شود. یا گاهی سیاست‌های انبساطی در پیش می‌گیرند و پول وارد بازار می‌کنند برای اینکه چرخ اقتصاد به گردش درآید. بالاخره با این پول‌ها سیاست‌هایی را از نظر اقتصادی اعمال می‌کنند. البته این کارکرد مربوط به همین پول‌های کاغذی و اعتباری است؛ در گذشته چنین چیزی شاید خیلی معنا و مفهوم نداشته است؛

این را هم البته ممکن است بگوییم فراوانی یا کمیابی کالاهایی که میانجی در داد و ستد بودند، قهراً در ارزش و مقدار آنها اثر داشته است؛ چه بسا همان موقع به وسیله همین کالاها، دولت‌ها و حاکمیت‌ها فی الجمله سیاست‌هایی را اعمال می‌کردند.

**بررسی:** همین وظیفه، یعنی اینکه ما این را ابزار سیاست‌های اقتصادی بدانیم، به چه دلیل به آن توجه می‌شود؟ ریشه اینکه این را به عنوان یک ابزار در سیاست‌های اقتصادی به کار می‌گیرند، همان نقش وسیله ارزشگذاری اشیاء است، همان میانجی‌گری در داد و ستد، واسطه‌ای که برای تعیین معیار ارزش است. پس این هم به همان برمی‌گردد.

#### **۶. وسیله ابراء ذمه در غیر مثلیات**

امر دیگری را برای پول به عنوان کارکرد و وظایف پول ذکر کرده‌اند و آن هم وسیله ابراء ذمه در غیر مثلیات است. یعنی می‌گویند اگر کسی ذمه‌اش چیزی مشغول باشد که مثلی نیست، با پول می‌توان ذمه را بری کرد. در مثلیات ابراء ذمه به دادن مثل است؛ مثلاً کسی چیزی را که مثلی محسوب می‌شود اگر تلف کند، ضامن است و مثل آن را باید پرداخت کند. اما اگر چیزی قیمی بود، (براساس معیارهایی که برای مثلی و قیمی گفته شده) تلف کند باید قیمت آن را بدهد. این قیمت با پول پرداخت می‌شود؛ لذا این پول است که وسیله ابراء ذمه در قیمیات است؛ همه انواع پول این خصوصیت را دارند. اگر در گذشته چیزی که مثلی نبود تلف می‌کرد، باید از همان کالاهایی که پول محسوب می‌شدند به آن شخص پرداخت می‌کرد، امروز هم باید پرداخت کند. پس وسیله‌ای است برای بری کردن ذمه نسبت به غیر مثلی.

**بررسی:** درست است که این کاری است که از پول برمی‌آید، اما باز هم چرا با این می‌توان ابراء ذمه کرد؟ چرا در قیمیات باید پول داده شود؟ برای اینکه وسیله ارزش است، معیار ارزش است.

#### **حق در مسأله**

لذا همانطور که برخی اقتصاددانان گفته‌اند به نظر می‌رسد دو وظیفه اصلی را می‌توان برای پول ذکر کرد. یعنی اصلی‌ترین کارکردها و مسئولیت‌های پول این دو است: ۱. وسیله ارزش‌گذاری، معیار ارزش؛ ۲. واسطه مبادله، میانجی‌گری در داد و ستدها. البته ما منکر آن کارکردها و ویژگی‌های پول نیستیم، از پول خیلی کارها برمی‌آید؛ با پول می‌توان در قیمیات ذمه را بری کرد، پول را می‌توان ذخیره کرد، پول را می‌توان در آتیه پرداخت کرد، با پول می‌توان بعضی سیاست‌ها را اجرا کرد و بعضی از امور دیگر که اگر بخواهیم دقت کنیم، اینها همه به عنوان خاصیت‌ها و ویژگی‌های پول می‌توانیم از آنها یاد کنیم؛ اما بازگشت همه اینها به آن دو خصوصیت و ویژگی است. واقعاً چیزی جدا و مستقل از آن دو خصوصیت نیست. این دو کارکرد و این دو وظیفه اصلی را می‌توانیم برای پول ذکر کنیم و این هم اختصاص به این زمان ندارد؛ از اول این کارکردها و مسئولیت‌ها برای پول بوده و الان هم هست.

#### **پشتوانه پول**

بحث بعدی که نسبتاً مهم است، مربوط به پشتوانه پول است. در یک مقطع به طور روشن و واضح مشهور بود که پول دارای پشتوانه است. امروز مشهور این است که پول پشتوانه ندارد؛ در حالی که اگر دقت کنیم مسأله پشتوانه در هر صورت برای پول وجود دارد. ممکن است گمان شود که در سیر تحولات و تطورات پول مخصوصاً در گذشته، مسأله پشتوانه مطرح بوده است؛ تا همین اواخر قرن نوزدهم که این ارتباط و پشتوانه بین پول و کاغذ و رسیدها و طلا و نقره قطع شد، همه از پشتوانه پول سخن گفته‌اند، اینکه مثلاً پشتوانه طلا و نقره دارد. اما بعد از بحران‌هایی که در اواخر قرن نوزدهم پیش آمد و مقدار رسیدها و کاغذهایی

که از طلا و نقره‌های موجود نزد صرافان و بانک‌ها نمایندگی می‌کرد، این بیش از مقدار طلاها و نقره‌ها شد و میزان طلا و نقره ذخیره کمتر از کاغذها و رسیدها شد، از آن موقع به بعد، این ارتباط ضعیف شد تا جایی که برخی رسماً این قطع ارتباط را اعلام کردند. مسأله پشتوانه داشتن یا نداشتن پول خیلی مهم است؛ مخصوصاً وقتی بحث به مسائل فقهی می‌رسد و احکام پول را می‌خواهیم بررسی کنیم، این مسأله خیلی مهم است. بنابراین اگر ما سخن از پشتوانه پول مطرح می‌کنیم، هم به دلایل تاریخی است که قبلاً این یک امر قطعی و مسلم بوده و اکنون گمان می‌شود که این ارتباط وجود ندارد، و هم اینکه داشتن یا نداشتن پشتوانه، در بررسی‌های فقهی ما اثرگذار است.

آنچه که در رابطه با پشتوانه پول در شرایط فعلی می‌توانیم بگوییم، این است که در شرایط فعلی حقیقتاً طلا و نقره پشتوانه پول نیستند. اما پشتوانه‌های دیگری جایگزین شدند که آنها هم امور حقیقتی هستند و نه اعتباری. آن امور حقیقی که به عنوان پشتوانه پول تلقی می‌شوند، عبارت است از ثروت طبیعی یک کشور؛ اینکه مثلاً منابع طبیعی در یک کشور چقدر است، منابع زیرزمینی، منابع دریایی، اینها چقدر است؛ معادن، معدن طلا و نقره، نفت، نیروی ماهر و کاردان و متخصص، یعنی نیروی انسانی، اینها مؤثر است. ثبات سیاسی و اقتصادی، اقتدار نظام سیاسی، مجموعه‌ای از عوامل در اینکه پول تقویت یا تضعیف شود مؤثر است. اینکه در نتیجه برخی سیاست‌ها و برخی برنامه‌ها پول ملی یک کشور تقویت می‌شود، این معلول یک سری عوامل است؛ این خودش بحث بسیار مفصل دارد، ولی همان عوامل می‌شوند پشتوانه. اگر این عوامل به درستی مورد توجه قرار بگیرند، پول تقویت می‌شود؛ اگر این عوامل با موانعی مواجه شوند، پول تضعیف می‌شود. تقویت و تضعیف پول حاکی از آن است که بدون پشتوانه نیست؛ یعنی اینطور نیست که یک سری امور اعتباری دخیل باشند تا این پول اعتباری بالا و پایین برود. آنچه که باعث بالا و پایین رفتن ارزش پول می‌شود، امور حقیقی هستند. بله، ممکن است مادی نباشند و امور معنوی حقیقی باشند؛ خیلی از امور در اینجا قابل ذکر است. لذا مسأله پشتوانه برای پول بسیار مهم است.

ممکن است کسی بگوید امروزه پول پشتوانه ندارد و فقط امضای دولت پای یک پول است که به آن پول ارزش و اعتبار می‌دهد؛ ما به این اختلاف بعداً اشاره خواهیم کرد. آنچه که در این بحث لازم است مطرح شود، این است که بالاخره سیر تاریخی پول از ابتدا تا امروز اگر مورد توجه قرار گیرد، می‌بینیم پول همواره پشتوانه داشته است.

۱. یک وقت پشتوانه پول، طلا و نقره بود؛ حالا در مورد پول‌های کالایی خود آن کالا یک ارزش ذاتی داشت و چیز دیگری ورای این ارزش ذاتی برای آن متصور نبود. اگر هم به عنوان پول در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفت، به خاطر همان ارزش ذاتی خودش بود. دیگر آنجا سخن از پشتوانه معنا ندارد. اما در مورد پول‌های فلزی، یعنی سکه‌های ضرب شده و رایجی که وسیله مبادله بود، مثلاً درهم و دینار، این هم یک ارزش ذاتی داشت، خود طلا و نقره ارزش داشت، چون آن سکه هم یک وزن و یک عیار داشت؛ مثلاً طلای چند عیار با فلان وزن. این ارزش ذاتی برای خود طلا و نقره بود، جنس آن دارای ارزش بود؛ اما یک ارزش اعتباری هم داشت که مثلاً این مقدار طلا با این ضرب می‌شود یک دینار، این مقدار نقره با این ضرب می‌شود یک درهم فلان کشور.

۲. در مرحله‌ای که پول کاغذی مطرح شد، پشتوانه این پول‌های کاغذی میزان طلا و نقره‌های موجود نزد صرافان و بانک‌ها بود. آن طلا و نقره یا جواهراتی که نزد صرافان و بانک‌ها موجود بود، پشتوانه طلا و نقره محسوب می‌شد.

۳. بعد از این، پشتوانه پول توسعه پیدا کرد؛ یعنی علاوه بر سنگ‌های قیمتی، طلا و نقره و جواهرات، اوراق بهادار و ارزهای خارجی موجود نزد بانک‌ها شد پشتوانه پول.

۴. سرانجام مهم‌ترین پشتوانه پول در شرایط فعلی، عبارت از اموری است که اشاره شد، اینکه توان تولید در یک کشور چه مقدار است؛ تولید ناخالص ملی یا تولید خالص آن چقدر است؛ چقدر نیروی کار دارد، چقدر ثبات در امور وجود دارد، مجموعه اینها می‌شوند پشتوانه پول.

پس در حقیقت به یک معنا می‌توانیم بگوییم پول بدون پشتوانه نداریم. در یک مقطعی به دلایل مختلف از جمله ضرورت‌ها و نیازهایی که برای بعضی از دولت‌ها پیش آمد، شروع کردند به چاپ اسکناس. این برای زمانی بود که پشتوانه‌اش طلا و نقره بود. این پول هر چه بیشتر چاپ می‌شد، درست است در دست مردم و مبادله می‌شد، اما پول زیاد و بدون آن پشتوانه‌ها خود به خود پول را ضعیف می‌کند. الان هم همینطور است، چاپ کردن پول کاری ندارد، یک سری اوراق است که چاپ می‌شود؛ اما اگر این کار مستطهر به اموری که اشاره شد نباشد، جز اینکه باعث تورم و موجب سقوط ارزش پول شود، هیچ ثمر دیگری ندارد. البته اینجا نظریاتی راجع به میزان پخش اسکناس وجود دارد که وارد این بحث نمی‌شویم.

اجمالاً این دو مسأله‌ای بود که لازم بود در اینجا مطرح شود. البته یکی دو بحث دیگر راجع به پول باقی مانده که در جلسات آینده عرض خواهیم کرد.

سؤال:

استاد: این مربوط به همان برنامه‌ریزی و توان بهره‌بری است؛ الان در افریقا این همه معادن طلا وجود دارد، وقتی نتوانند از اینها درست استفاده کنند، این بساط پیش می‌آید. این یکی از اینهاست، مقتضی است؛ از اینها باید درست بهره‌برداری شود، درست توزیع شود، اینکه خود این تبدیل به ظرفیت‌های کار شود، خیلی امور در آن دخیل است.

«والحمد لله رب العالمین»